

جمهوری اسلامی و فرهنگ و سیاست در کردستان ایران

بر اساس سمیناری در شبکه انترنتی Pal Talk



رحمان حسین زاده

زاویه کمونیستی و چپ جامعه کردستان در برخورد به این پدیده است. از این زاویه نقد و اختلاف خود را در مورد سابقه این پروژه، دلایل شکل گرفتن آن، محتوا و پیامدهای آن و نحوه برخورد به آن با ارزیابیهای موجود ناسیونالیستی بیان میکنم.

این تحرک که از نظر من تنها فرهنگی نیست، بلکه همچنانکه بعداً به دلایل آن میپردازم، جنب و جوشی سیاسی- فرهنگی است، در مجلات گوناگون، روزنامه، هفته نامه و فصلنامه و جزوات به زبان کردی، در انستیتو و نهاد و کنگرها و سمینارات، فیلم و تئاتر و رادیو و تلویزیون به زبان کردی و به قول خودشان در "پل ارتباط فرهنگی" با گروههای فرهنگی وابسته به احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق، یعنی در مجموعه اینها خود را نشان میدهد.

این تحرک در دو دهه اخیر

کردند، در سال ۱۳۶۳ مرکز "صلاحالدین ایوبی" و مجله "سروه" را بنیاد نهادند. بنیاد و مجله‌ای با ماهیت آشکار ملی- اسلامی و در دفاع از جمهوری اسلامی، به نحوی که حزب دمکرات و جریانات ناسیونالیست در آن مقطع از آن دفاع نکردند. ما کمونیستها افشاگری کردیم و ماهیت ارتجاعی، اسلامی و رژیم آن را نشان دادیم. همانزمان رادیو و تلویزیون رژیم به زبان کردی هم وجود داشت. اینها سطحی از این تحرک است که به دهه اول حاکمیت جمهوری اسلامی مربوط است، که حزب دمکرات و ناسیونالیستها به دلیل محتوای بغایت ارتجاعی و رژیمی آن دوست ندارند، اسمی از آن ببرند و آن را قلم میگیرند. مرحله دیگر این پروژه از دوره دوم ریاست جمهوری رفسنجانی شروع میشود. شاید اینجا نقل قولی از یکی از مهره‌های اصلی رژیم در این پروژه "فرهنگی" به وضوح

صفحه ۲

ایسکرا می‌پرسد

صفحه ۳

حمایت انجمن صنفی
خبازان بوکان و حومه
از مبارزه سندیکای
خبازان سقز و حومه
* اطلاعیه

محمود صالحی

صفحه ۴



سر دبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱
فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm
پست گیلو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

طول موج

۴۱ متر برابر با

۷۵۲۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

تشکلهای خبازان دیگر شهرهای کردستان

کارگران خبازهای سقز از شما در خواست حمایت کرده‌اند، از خواسته‌های برحق و انسانی آنها دفاع کنید! به هر شیوه که میتوانید آنان را در مبارزاتشان کمک و یاری کنید. در صورت تجمع آنان در فرمانداری سقز جا دارد مردم مبارز شهر سقز، کارگران، جوانان، زنان در دفاع و پشتیبانی از خواسته‌های کارگران خباز، در تجمع اعتراضی آنان شرکت کنند و به هر طریق ممکن این مبارزه را تقویت کنند.

بی‌شک کارگران خباز سقز برای دستیابی به خواست خود و موفقیت مبارزه‌شان انتظار حمایت قاطع و روشن از تشکلهای خبازان شهرهای سنندج، میروان، بانه، بوکان و کامیاران و کارگران خباز دیگر شهرها را دارند. افزایش

دستمزد کارگران خباز در سقز مستقیماً به مثابه پیروزی همه کارگران خباز در دیگر شهرها خواهد بود و میتواند مبنای تعیین دستمزد این رشته در دیگر شهرها باشد. انتظار می‌رود ارسال نامه و قطعنامه‌های حمایتی و اعزام هیئت‌های اعلام همبستگی و دیگر ابتکارات سندیکای کارگران خباز سقز را در مبارزه‌شان حمایت کنند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از مطالبه و مبارزه سندیکای کارگران خباز حمایت میکند و به سهم خود برای کسب حمایت و پشتیبانی از این مبارزه از هیچ اقدامی دریغ نخواهد کرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۵ دی ۱۳۸۰
(۲۶ دسامبر ۲۰۰۱)

فراخوان از مطالبه و مبارزه سندیکای کارگران خباز سقز دفاع کنیم!

۸۰ خبری نیست. سندیکای کارگران خبازهای سقز و حومه در اطلاعیه شماره ۲ خود به تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۸۰ ضمن اعتراض دوباره، اعلام داشته است که در صورت جواب ندادن به خواسته‌هایشان همراه خانواده‌هایشان در محل فرمانداری سقز تجمع خواهند کرد. در همین رابطه کارگران منتظرند تا در روز یکشنبه آینده فرماندار شهر طبق قولی که داده در محل سندیکای خبازان شهر حاضر شود و جواب نهایی او را بشنوند.

مردم مبارز! کارگران!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

←--- جمهوری اسلامی و فرهنگ و سیاست...

هدف سیاسی این پروژه را نشان دهد. "بهرام ولدبیکگی" در مصاحبه با اولین شماره فصلنامه کردستان، نشریه انستیتوی کرد که خود سردبیری آن را به عهده دارد، چنین میگوید:

مردم کردستان در دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری آقای رفسنجانی به منظور اعلام موضع اعتراضی و سیاسی، به احمد تولکلی رای دادند و در این دوره انتخابات در کردستان آقای رفسنجانی رای دوم آورد. در آن مقطع رحیمی نماینده شهر سنندج در مجلس شورای اسلامی بود. رفسنجانی به او گفته بود، که چرا مردم کردستان به او رای ندادند؟ لازمست علتش را بررسی کنی؟ در این رابطه رحیمی چند نفر کرد را در تهران به جلسه‌ای دعوت کرد. در آن جلسه همه گفتیم که دولت به مردم کرد پشت کرده و همه کاربدستان کردستان غیرکرد هستند و مردم از طریق این انتخابات پیام سیاسی خود را اعلام کرده‌اند و خواستار تغییر هستند. وقتی که رحیمی گزارش جلسه را به رفسنجانی داده بود، نامبرده به رحیمی گفته بود، که شما نماینده آن مردم و خودت هم اهل کردستان هستی، باید مثل استاندار به کردستان برگردی. از آن روز بنا به پیشنهاد نمایندگان کرد در مجلس من هم (بهرام ولدبیکگی)، برای فعالیتهای فرهنگی تعیین شدم، و به سنندج برگشتم و با هدف خدمت به فرهنگ ملت کرد مشاور فرهنگی استاندار شدم."

(ترجمه از متن کردی به فارسی) این گفته‌ها خودش گویا و هدف رژیم اسلامی از راهاندازی و حمایت از این پروژه فرهنگی را نشان میدهد. به دنبال ولدبیکگی میگوید که کنگرها و سمینارها، سازمان دادند، نشریه "تویبر" و نشریات دیگر راه اندازی شد. پل ارتباط فرهنگی با کردستان عراق و بعضی شخصیتهای کرد در خارج کشور برقرار شد. انستیتوی کرد ایجاد شد و غیره. عوامل دیگری در گسترش این پروژه موثر بودند.

تحولات کردستان عراق در مارس ۹۱ و برچیده شدن حاکمیت رژیم بعث و قدرت‌گیری احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق، تب ملی‌گرایی و ناسیونالیسم را افزایش داد و عاملی بود در

روتق تحرک فرهنگی مورد اشاره در کردستان ایران، همزمان فعالیت تلویزیون کردی‌مدیا TV و حضور پ.ک.ک در کردستان ایران به آن سرعت بخشید. بویژه که جمهوری اسلامی تسهیلات فعالیت سیاسی و فرهنگی پ.ک.ک را ایجاد میکرد. عامل دیگر در گسترش این پروژه پیدایش پدیده دوم خرداد و خاتمی بود. همه میدانیم تحت فشار از پایین مردم، رژیم جمهوری اسلامی در زمینه‌هایی مجبور به عقب‌نشینی‌هایی شد و با شروع ریاست جمهوری خاتمی و عروج پدیده دوم خرداد اندک گشایشی در فضای مطبوعاتی ایران ایجاد شد. در این بطن تحرک فرهنگی در کردستان هم گسترش بیشتری گرفت.

خلاصه‌وار اینها عوامل گسترش این پروژه بودند. اتفاقا در حال حاضر به دلیل افول همه عوامل گسترش دهنده آن یعنی، افول دوم خرداد و خاتمی، افول تب ملی‌گرایی و افتضاحات سیاسی احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق و همچنین پ.ک.ک و آگاهی بیشتر مردم از ماهیت رژیم و ارتجاعی این پروژه، گسترش توقعات رادیکال نسل جوان در جامعه، این پروژه فروکش نموده است.

ماهیت این پروژه چیست؟

آیا این پروژه تنها فرهنگی است؟ صرفنظر از این ادعای درست و عمومی که هر فرهنگ و حرکت "فرهنگی" منتج از جنبش‌ها و اهداف سیاسی معین است، این پروژه با فاکت‌های انکارناپذیری سیاست مشخص و معینی را در کردستان ایران تعقیب میکند. رژیم اسلامی و عواملش از طریق این پروژه این اهداف سیاسی را تعقیب میکنند.

با علم کردن مسئله خواندن و نوشتن به زبان کردی و مقامات در کردستان باید بومی باشند، بر دو خواست محوری جنبش ملی کرد و احزاب ناسیونالیست انگشت گذاشته و دارند زیرپای جنبش ناسیونالیستی را خالی میکنند. از این طریق به فکر کنترل جنبش ملی و ادغام آن در پروژه خود هستند و بر فصل مشترک‌های اسلام و ناسیونالیسم در کردستان سرمایه‌گذاری میکنند. مقامات و مهره‌های رژیم در کردستان تحت نام "زبان دیالوگ" و "فضای تفاهم و گفت‌وگو" این را گفته و

از جانب شخصیتها و احزاب ناسیونالیست در اپوزیسیون کرد بی‌جواب نمانده است. از این طریق تلاش میکنند که مسئله کرد را از یک معضل سیاسی و رفع ستم و تبعیض ملی به مسئله هویت فرهنگی تبدیل کنند و راه حل سر راست پایان دادن به ستم ملی و کشمکش ملی را دور بزنند.

هدف اساسیتر این پروژه مقابله با توقعات رادیکال نسل جوان، با افکار مترقی و آزادیخواهانه و با رادیکالیسم و کمونیسم در جامعه کردستان است. با پروژه صرف اسلامی و رژیمی نمیتوانند با قطب مترقی و رادیکال جامعه مقابله کنند، اینجاست با اتکا به ناسیونالیسم و ملی‌گرایی و با کسب حمایت احزاب ناسیونالیست کرد که در اپوزیسیون هستند، به زعم خودشان میخواهند جبهه قوی‌تری را ایجاد کنند.

به نظر آنها مجموعه این تدابیر و پروژه در خدمت محکم کردن موقعیت جمهوری اسلامی در کردستان است، همان هدفی که از اول رفسنجانی دست نشان کرده است.

بر بستر این پروژه چراغ سبزیهای از دو طرف داده شد. همه اطلاع داریم دو سال قبل از طریق جلال طالبانی موضوع دیالوگ بین حزب دمکرات و اطلاعات سپاه پاسداران در کردستان بطور جدی مطرح شد. پروژه "آشتی از راه فرهنگ" از طرف شخصیت ناسیونالیست کرد صلاح‌الدین مهتدی تدوین شد و اگر هیچ طرف درگیری اهمیت زیادی به آن ندادند، حداقل اینکه جناحی از کومله به سرپرستی عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی‌زاده را تحت تاثیر قرار داد و به نوبه خود عاملی شد در برجسته شدن شکافهای درونی کومله و انشعاب بعدی این جماعت.

من هم میخواهم تاکید کنم بر خلاف تصویری که دست‌اندرکاران و ناسیونالیستهای سمپات آن ارائه میدهند، این پروژه هدف سیاسی روشنی دارد و مسئله اینجاست که اهداف مورد نظر رژیم اسلامی بر این پروژه حاکم است. هدف سیاسی مورد نظر و احتیاج رژیم را در این مقطع در کردستان تعقیب میکند. این پروژه تایید کننده جمهوری اسلامی است و به ابتکار رژیم و دست اندرکارانش، با حمایت مادی و معنوی آن و با اهدافی که در بالا اشاره کردم، به وجود آمده است. محتوای ملی -

اسلامی و ارتجاعی آن این پروژه را برای رژیم اسلامی در این مقطع قابل تحمل نموده است. بگذارید مقداری هم به محتوا و کارکرد ارتجاعی آن بپردازیم. - در این پروژه تصویری که از جامعه کردستان ارائه میشود، تصویر دوران عشایری و فئودالی و روستا‌نشینی است. جامعه‌یکدستی تصویر میشود که گویا فقط دو مشخصه دارد، اینکه مردم کردستان "کرد" و "مسلمانند". پدیده‌های نوین شهری، تغییر و تحولات یک جامعه طبقاتی و به تاثیر از آن، روندهای مدرن و رادیکال سه دهه اخیر جایگاهی در آن ندارد. دستاوردهای مدرن و پیشرو جهانی در همان محدوده فرهنگ انعکاسی ندارد.

این پروژه نه تنها ربطی به زندگی و خوشی و ناخوشی بخش عظیم جامعه، زنان، جوانان، کارگران و نسل امروز ندارد، بلکه حامل فرهنگ سنتی، عقب مانده، ضد زن و مردسالارانه است. اتکا به اسلام و تظہیر اسلام از مشخصات آن است.

اشاعه ناسیونالیسم آنطور که عده‌ای آن را "خودآگاهی" ملی میدانند، یک بعد اصلی تاثیرات این پروژه است. این بعد مسئله ناسیونالیستها را شیفته نموده است و از زاویه آنها "پیشرفت مهمی" محسوب میشود. از موضع انسانی و از زاویه یک جامعه آزاد، اشاعه خرافه ناسیونالیسم درست همانند خرافه مذهب است و هر دو ضد منافع انسانند. از این زاویه هم این پروژه را لازمست منزوی و به حاشیه راند.

مسئله خواندن و نوشتن به زبان کردی، توجیه‌ایست در دست عده‌ای برای کسب مشروعیت از این پروژه. خواندن و نوشتن به زبان مادری و هر زبان دیگری حق طبیعی انسان و جامعه و دولت موظف به تامین امکانات آنست. رژیم ارتجاعی اسلامی و رژیمهای سرکوبگر دیگر در منطقه از رعایت این حق اولیه و طبیعی عاجزند. تا آنجا که به این پروژه برمیگردد اولاً در این راستا کار مهمی انجام نداده است و نتوانسته این مسئله را رسمی و قانونی کند، و دوماً اگر این موضوع به وسیله‌ای برای کسب مشروعیت از یک رژیم ضد انسانی تبدیل شود، معلومست که نباید چنین بهای گزافی را پرداخت نمود. و مهمتر به دنبال یک تحول انقلابی و ایجاد حاکمیت آزادیخواهانه و مردمی



ایسکرا می پرسد

سوال از خالد حاج محمدی در رابطه با تحرک اخیر کارگران نانواییها در کردستان



کارگران سندیکای خبازان سقز و حومه اخیراً در اطلاعیه شماره ۲ اعلام کرده‌اند که در صورت عدم جواب به خواسته‌هایشان از کار دست میکشند و در فرمانداری تجمع خواهند کرد. ماجرا از چه قرار است و در این زمینه چه نکاتی به نظرت میرسد؟

خالد حاج محمدی: جریان از این قرار است که در چند سال گذشته دستمزد کارگران متشکل در سندیکای خبازان سقز بر مبنای بخشنامه شورای عالی کار و در توافق میان نماینده کارگران و کارفرمایان اول هر سال تعیین شده است. بر همین مبنای هر سال میزانی هر چند ناچیز به دستمزد کارگران اضافه

شده است. امسال با گذشت ۹ ماه از سال ۱۳۸۰، هنوز از افزایش دستمزد کارگران خباز خبری نیست! کارگران متشکل در سندیکای خبازان سقز تا کنون بارها و به شیوه‌های مختلف اعتراض خود را به این دهن‌کجی مسئولین رژیم ابراز داشته‌اند. با این وجود مدت‌ها پیش استاندار کردستان مصوبه‌ای را ابلاغ کرده است که بر مبنای آن، دستمزد کارگران خبازیهایی این استان، کمتر از دستمزد رسمی آنها در سال ۱۳۷۹ خواهد بود. یعنی بر این اساس دستمزد کارگران نه اینکه افزایش نخواهد یافت بلکه کمتر از سال قبل هم خواهد شد. بدنبال این ماجرا، سندیکای خبازان سقز مجمع عمومی خود را برگزار کرد. و سرانجام اطلاعیه شماره ۱ خود را که به امضای ۱۵۷ نفر از کارگران و فعالین سندیکا رسیده بود، صادر کردند، و برای مقامات مختلف رژیم از دفتر ریاست جمهوری گرفته تا مجلس شورای اسلامی و اداره کار و امور اجتماعی استان و شهرستان سقز و استانداری و فرمانداری سقز و ... ارسال کردند. کارگران در اطلاعیه شماره ۱ خود ضمن

اعتراض به دخالت غیر قانونی استانداری در تعیین دستمزد کارگران، خواهان لغو فوری این مصوبه ضد کارگری شده و در عین حال خواهان افزایش دستمزدها بر مبنای بخشنامه شورای عالی‌کار از اول سال ۸۰ شدند. مقامات رژیم تا کنون به خواست کارگران جواب نداده و لذا سندیکا به تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۸۰ اطلاعیه شماره ۲ خود را صادر کرد و ضمن تکرار خواسته‌های خود اعلام کرده است که اگر مقامات مسئول به مطالبات آنها جواب مثبت ندهند، تا متحقق شدن این خواستها دست از کار خواهند کشید و همراه خانواده‌هایشان در محل فرمانداری شهر سقز تجمع خواهند کرد. خواسته و مبارزه سندیکای کارگران خباز سقز تاکنون انعکاس خوبی داشته است و چنین پیداست که با حمایت جدی روبرو میشود. از جمله سندیکای کارگران خباز بوکان طی اطلاعیه‌ای حمایت خود را اعلام نموده‌اند. کارگران خبازیهایی مهاباد با جمع‌آوری کمک مالی حمایت خود را عملی نموده‌اند. محمود صالحی از فعالین اصلی و چهره محبوب سندیکای خبازان شهر سقز طی اطلاعیه‌ای خواستار حمایت همه کارگران از خواسته‌هایشان شده است. در این خصوص لازم میدانم به چند نکته اشاره کنم. تا جایی که به اعلام اعتراض و اولتیماتوم

کارگران متشکل در سندیکا مربوط است، آنها خواسته‌های بسیار مشروعی را دارند و ما نیز در کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن پشتیبانی از مطالباتشان، به سهم خود تلاش خواهیم کرد صدای اعتراض آنان را به هر جا برابمان ممکن باشد برسانیم. اما قبل از هر چیز جا دارد انجمن صنفی خبازان کردستان (که متشکل از نمایندگان خبازان شهرهای استان کردستان است) و اکنون نزدیک به یک سال از عمر آن میگذرد به عنوان نماینده کارگران خباز در شهرهای کردستان وارد میدان شود و فوری از خواست کارگران خباز سقز دفاع کند. افزایش دستمزد که اکنون سندیکای کارگران خباز سقز برای حل آن و تحمیل آن به مقامات دولت و کارفرمایان پیشقدم شده‌اند، به همه کارگران و مشخصاً کارگران خباز در شهرهای دیگر مربوط و مشکل همه آنهاست. شرکت در این اعتراض و دفاع از خواست مشروع کارگران خباز سقز باید امر انجمن صنفی خبازان استان کردستان باشد. جا دارد در این فرصت این انجمن تلاش کند با زدن مهر خود بر این مبارزه و جلب پشتیبانی در ابعاد وسیع برای موفقیت آن، جا پای خود را نیز برای مبارزات آتی و در سطح سراسری‌تر سفت کند. مسئله دیگر اینکه وظیفه همه کارگران در همه شاخه‌های دیگر از کارگران

دخانیات تا شهرک صنعتی، برق، شهرداری و ... است که فوری از کارگران خباز دفاع کنند. موفقیت کارگران خباز تاثیر فوری بر مبارزات بخشهای دیگر خواهد گذاشت و فعالین و رهبران کارگری باید این امر را با تلاش آگاهانه خود تامین کنند. در ضمن من همینجا از تمام مردم شهر سقز درخواست میکنم که از مبارزات کارگران خباز دفاع کنند. اگر کارگران خباز و خانواده‌هایشان تجمع کنند کل کارگران این شهر و مردم باید آنها و خانواده‌هایشان را تنها نگذاشته و با شرکت در تجمع‌شان رژیم و کارفرمایان را وادار به عقب نشینی کنند. اینکه خود کارگران خباز در سقز چه کارهایی لازم است انجام دهند، این دیگر بستگی به تشخیص آنها در محل و توانشان میباشد. اما در هر حال انواع کارها را از تشکیل کمیته اعتصاب تا صندوق اعتصاب و تا تشکیل گروه‌های تبلیغ و فرستادن نمایندگانی به بخشهای مختلف و جلب پشتیبانی از مردم و سایر کارگران را میشود پیش برد. همچنین انتظار می‌رود سندیکاهای کارگران خباز شهرهای سنندج، کامیاران، بانه، مریوان، بوکان و کارگران خباز دیگر شهرها از خواسته و مبارزه کارگران خباز سقز حمایت کنند.

دانش و افزایش توقعات جامعه را مد نظر دارد و خود را جزئی از یک پروسه تحول انقلابی در جامعه ایران و کردستان تعریف میکنند، و به سهم خود برای تثبیت موازین و حاکمیت سکولاریستی و کوتاه کردن دست خرافه مذهب و جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم از زندگی مردم تلاش میکنند. اگر نقطه عزیمت گسترش چنین حرکتی باشد، آنوقت ابتکار و ابزار اینکار همچون ایجاد نهاد و تشکل و نشریات، تئاتر و فیلم و نقاشی، برگزاری سمینار و کنفرانس دیگر معنایی دیگر و جایگاه دیگری در جامعه پیدا میکنند. برای تقویت چنین حرکتی باید کوشید. □

با این پروژه ارتجاعی شکل میگیرد. حرکت فرهنگی پیشرو و مدرن و جوابگوی نیازها و توقعات ایندوران نیاز جامعه است. طبعاً هم اکنون و به دلیل اختناق رژیم اسلامی و سنتهای عقب مانده در جامعه محدودیتهای فراوانی سدره چنین حرکتی است. با این وصف شرایط و تناسب قوا به نفع مبارزه جویی مردم تغییر کرده است و از فضای مساعدتری که به وجود آمده و با ابتکارات مناسب میتوان در خدمت کار فرهنگی پیشرو بهره جست. به نظر من چنین حرکت فرهنگی و قابل حمایت از جانب مردم و نیروهای آزادیخواه، حداقل در سطح عمومی این خصوصیات را باید داشته باشد. — حرکت فرهنگی پیشرو به روشنی لازمست صف خود را از

این پروژه فرهنگی و سیاسی رژیم اسلامی و عواملش در کردستان جدا کند. نه تنها این بلکه لازمست به نقد آنها برود و در نقد و افشای آن شکل بگیرد. — چنین حرکتی در ابعاد مختلف کار خود لازمست فرهنگ ملی-اسلامی را افشا و منزوی کند. به جنگ افکار و باور ناسیونالیستی و مذهبی و سنتهای عقب مانده و جان سخت در جامعه امثال فرهنگ عقب مانده ضد زن و مردسالاری برود. خود را با نیازهای نسل جوان، زنان، بخش پیشرو جامعه و پیشرفتهای شهری و مدرن دو سه دهه اخیر جامعه کردستان منطبق کند. حلقه وصلی بین فرهنگ پیشرو جهانی و تحرک فرهنگی در کردستان ایجاد کند. در نتیجه چنین حرکتی ارتقا آگاهی و

← جمهوری اسلامی و فرهنگ و سیاست

با سیاستهای رژیم ارتجاعی اسلامی در کردستان است. این احزاب با تشخیص همین نزدیکیها و فصل مشترکها، همیشه امید به دیالوگ و سازش با رژیم ارتجاعی در سر داشته‌اند و زمانی هم شیفته "دیالوگ تمدنهای" خاتمی شدند. این واقعه دریچه دیگری برای آشنایی با سیاستهای ارتجاعی احزاب ناسیونالیست و حزب دمکرات و قومپرستان تازه به دوران رسیده‌ای چون "سازمان زحمتکش" است. این واقعه باردیگر لزوم به انزوا راندن سیاستهای ناسیونالیستی و حزب دمکرات و گروههای قوم پرست را از جانب مردم آزادیخواه تاکید میکند. حرکت فرهنگی پیشرو در تقابل

"سازمان زحمتکش" منشعب از کومهله این توجیهات حزب دمکرات را هم لازم ندیده و نه تنها از آن حمایت بلکه با تمجید "جنبش نوین فرهنگی" در رقابت با حزب دمکرات و جهت اثبات اینکه واقعا ناسیونالیستهای غلیظتر و قومپرست‌ترین، آن را ایده‌آلیزه نموده و دارند در رابطه با "اثرات دیرپای" آن سرمایه گذاری میکنند. حمایت جریانات ناسیونالیست از این پروژه نشان میدهد که این پروژه ملی-اسلامی بخشی از جنبش آنهاست. این واقعیت نشانگر نزدیکی ماهیت اهداف و سیاستهای این جریانات با ملی — اسلامیهایی درون حکومت و نشانه بارز نزدیکی سیاسی آنها

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

در حمایت از مبارزات سندیکای کارگران خباز سقز و حومه:

*** اعلامیه شماره ۲ کمیته کردستان حزب**

*** بیانیه محمود صالحی**

*** اطلاعیه کارگران خباز بوکان و حومه**

اطلاعیه شماره ۲ کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران حمایت از مبارزه سندیکای کارگران خباز سقز و حومه

* سندیکای کارگران خباز بوکان و حومه با صدور اطلاعیه‌ای حمایت خود را اعلام کرد. * محمود صالحی طی اطلاعیه‌ای خواستار اتحاد و یکپارچگی در دفاع از کارگران خباز سقز شد.

به دنبال انتشار اطلاعیه شماره ۲ سندیکای کارگران خباز و حومه که خواستار لغو مصوبه ضد کارگری استانداری کردستان و افزایش دستمزد کارگران خباز از اول سال ۱۳۸۰ شدند، کارگران خباز بوکان و مهاباد از مطالبات سندیکای کارگران خباز سقز و حومه حمایت میکنند. سندیکای کارگران خباز بوکان و حومه طی اطلاعیه‌ای همبستگی خود را با کارگران خباز سقز اعلام کرد. (این اطلاعیه ضمیمه است). در اقدام دیگری کارگران خباز شهر مهاباد، با جمع آوری کمک مالی برای دفاع از مبارزه و

خواست کارگران سندیکای خباز سقز و حومه، حمایت خود را اعلام کردند. محمود صالحی دبیر سندیکای خباز شهر سقز و چهره اصلی مبارزات کارگران شهر سقز، طی اطلاعیه‌ای ضمن حمایت و تاکید مجدد بر خواسته‌های سندیکای کارگران خباز سقز، به افشای اقدامات ضدکارگری مراجع و مقامات رژیم پرداخت. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران طی اطلاعیه قبلی خود بتاريخ ۵ دی، ضمن حمایت از خواسته‌ها و مطالبات سندیکای کارگران خباز از مردم مبارز و کارگران و از سندیکاهای کارگران خباز در شهرهای کردستان خواست که از مبارزه کارگران خباز سقز و حومه حمایت کنند. اقدام کارگران خباز شهرهای بوکان و مهاباد میتواند سرآغاز حمایت و همبستگی جدی از این مبارزات باشد.

حمایت از اطلاعیه شماره ۲ سندیکای کارگران خباز سقز و حومه
* همبستگی کارگری رمز تحقق اهداف کارگری
* هجوم به حقوق کارگر، هجوم

به تمام کارگران است. ما کارگران و نمایندگان منتخب کارگران خباز بوکان و حومه مصوبه ضدکارگری استانداری کردستان را شدیداً محکوم میکنیم و ما:
۱- خواهان لغو فوری مصوبه ضدکارگری استانداری کردستان هستیم.
۲- ما حمایت بیدریغ و قاطعانه خود را لز اعتراض برحق و انسانی سندیکای خبازان سقز اعلام میداریم.
۳- ما کارگران و نمایندگان منتخب سندیکای خبازان بوکان تمامی کارگران و مردم شریف و حق طلب را به حمایت و دفاع از اعتراض برحق سندیکای خبازان سقز فرامیخوانیم.

انجمن صنفی کارگران خبازهای بوکان و حومه
۱۳۸۰ دی ماه ۱۶
باز تکثیر از کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

حمایت از اطلاعیه شماره ۲ سندیکای کارگران خبازهای سقز و حومه

کارگران:
این بردگی است که ناچاریم در برابر مزدی ناچیز که با آن فقط میتوان یک روز را زنده ماند، کار کنیم و در کلبه‌هایی که همچون زندان است، بسر ببریم، تا این جباران و ظالمان بتوانند خوش بگذرانند و سود ببرند. کارگران:

سرمایه داران و فقیران دو ملت هستند، که میان آنها رابطه و همدردی و احساس مشترکی وجود ندارد. ما اگر به پشت سر خود نگاه کنیم، در این سالهای اخیر برای کارگران ایران و کارگران خباز کردستان مصوبه‌هایی صورت گرفته که هر کدام به نوبه خود، ضد ما بوده و هست.

از مصوبه ۱۹-۳-۷۸ مجلس پنجم گرفته تا نامه مدیرکل کار و امور اجتماعی استان کردستان به شماره ۳۱۶۵۳۵ تاریخ ۹-۱۰-۷۹ و گزارش کذب و دروغ بازرس اداره کار سقز به شماره ۳۴۲۷ تاریخ ۳۱-۵-۷۷ برای اخراج کارگران از کار و دهها موارد دیگر
بنده به عنوان یک کارگر اخراجی که در تاریخ ۳۱-۵-۷۷ با گزارش کذب و دروغ بازرس اداره کار و تایید نماینده کارفرما و رئیس اداره کار از کار اخراج شدم، از اطلاعیه شماره ۲ سندیکای کارگران خباز حمایت کرده و خواهم کرد. پیش بسوی اتحاد و یکپارچگی یکی از قربانیان هیئت تشخیص و حل اختلاف اداره کار سقز

محمود صالحی
۱۳۸۰ دی ماه ۱۳
باز تکثیر از کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

لیست کمک مالی به کمیته کردستان

سوئد	ل .. بدوی ۵۰ فرانک	مجتبی فرزانه ۱۰۰۰ کرون
	محمد مام محمدی ۵۰ فرانک	سینا و آروین ۵۰۰ کرون
	محمود رهبری ۳۰ فرانک	حصیبه چوپانی ۵۰۰ کرون
	علی شماره ۱ ۲۰ فرانک	هاشم ترکمن ۵۰۰ کرون
	پیمان نجفی هفشجانی ۲۰ فرانک	روزا ۳۰۰ کرون
سوئیس	پیمان سفرزاده قندی ۱۰ فرانک	فریدون غلام ویسی ۵۰ فرانک

از سایت روزنه دیدن کنید!
www.rowzane.com
در سایت روزنه میتوانید نشریات و اطلاعیه های سازمان های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. از طریق سایت روزنه میتوانید به سایت کلیه احزاب و سازمان های اپوزیسیون، به رادیوهای فارسی زبان، و به نشریات چاپ ایران دسترسی پیدا کنید.
مطالب، اطلاعیه ها و نظراتتان را برای روزنه بفرستید.
rowzane@yahoo.com

اطلاعیه شماره ۲ سندیکای کارگران خبازهای سقز و حومه

کارفرمایان می‌فروشد. ما کارگران و نمایندگان کارگران خباز در اطلاعیه شماره ۱ اعلام کرده بودیم که مصوبه استانداری باید لغو گردد، چون دستمزدی که در آن برای ما کارگران تعیین شده از دستمزد سال ۷۹ هم کمتر و ما به هیچ وجه بی‌عدالتی و ستم را قبول نمی‌کنیم. اگر به خواسته‌های قانونی ما جوابی داده نشود برابر با بخشنامه شورای عالی کار و ماده ۱۴۲ و ۱۴۳ قانون کار دستمزدهایمان تعیین نشود

اطلاعیه شماره ۲
۱۳۸۰/۹/۲۹

هرگونه مصوبه کارگری بدون نماینده منتخب کارگر فاقد مشروعیت و غیر قانونی است. مرم شریف ایران و کردستان، کارگران، دانشجویان، کارمندان، دانش‌آموزان، انجمن‌ها و اتحادیه‌های کارگری حمایت از ما حمایت از حق انسانهایی است که در شبانه روز برای زندگی بخورونمیری نیروی کار خود را به سرمایه‌داران و

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!